

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۷/۱۲/۱۰

موضوع: یمانی در روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

استفاده می‌کنیم از بیانات حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

تقدیم به پیشگاه مقدس و باعظمت حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) صلوات دیگری عنایت فرماید.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

به دنبال بحث‌هایی که در جلسات گذشته خدمت شما گرامیان داشتیم و درخواست‌ها و سؤالاتی که شده بود، موضوع بحث امشب ما موضوع یمانی در روایات اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) است.

یکی از نکاتی که باید به آن توجه کنیم، این است که بعضی از مراجع بزرگوار همانند آیت الله العظمی صافی گلپایگانی تقلید آگاهی و شناخت علائم ظهور را از واجبات شرعی می‌دانند. از ایشان سؤال فرمودند:

«هل يجب معرفة علائم الظهور ليعلم به عند وقوعه و يعرف المحق من المبطل و يميز بين الخبيث و

الطيب»

ایشان فرمودند:

«الظاهر هو وجوبها»

آگاهی از شناختن علائم ظهور و نشانه‌هایی که قبل از آمدن حضرت ولی عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) به وقوع می‌پیوندد از واجبات است، به جهت اینکه انسان در ضلالت و گمراهی گرفتار نشود.

اگر ملاحظه کنید حتی از عصر معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) افرادی ماجراجو و فرصت طلب از موضوع مهدویت و قیام حضرت مهدی سوءاستفاده‌ها کردند.

ناووسیه در عصر امیرالمؤمنین و امام حسن و امام حسین مدعی مهدویت محمد حنیفه بودند. واقفیه که متأسفانه جزو وکلای خاص امام کاظم (علیه السلام) بودند، مدعی مهدویت امام کاظم بودند.

بعد از آنها افرادی بودند که مدعی مهدویت امام باقر و امام حسن عسکری بودند. همچنین در غیبت صغری که دنیای پر از آشوب و غوغایی بود و در هر گوشه و کنار مدعیان مهدویت سر بلند کردند.

در طول تاریخ هزار و دویست ساله بعد از غیبت کبری حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) کمتر کسی بود که از فرصت طلبان از اذهان پاک شیعیان و از جهل شیعیان سوء استفاده کرده و مدعی بابیت یا مهدویت بودند و ادعاهای دیگر داشتند.

در عصر ما هم بنا به نقل بعضی از بزرگان تنها در عراق بیست و پنج نفر مدعی بابیت و بهائیت هستند. در ایران هم در طول چهل سال اخیر موارد متعددی وجود دارد که افرادی مدعی بابیت و بهائیت بودند.

ما از این موارد الی ماشاءالله داشتیم که یکی از آنها «احمد بصری» است که مدعی باییت هست و ادعا می‌کند من ولی الله هستم، من فرزند حضرت مهدی و یمانی هستم. متأسفانه تعدادی افراد ناآگاه هم جذب این فتنه شدند.

بنابراین یکی از موضوعاتی که به نظر می‌رسد خوب در این زمینه باید بحث و بررسی شود، موضوع یمانی است که اصلاً بینیم قضیه یمانی با روایات اهل بیت چگونه معرفی شده است.

باید بررسی شود محل ظهور یمانی از کجا بوده است، ویژگی‌های یمانی چیست، دعوت یمانی چیست، یمانی از علامت قطعی است یا علامت غیر حتمی است. ما روایاتی در این زمینه به ما رسیده است که طبق آنچه بنده به آن رسیدم تعداد آن به هفتاد روایت می‌رسد.

«مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «الغیبة»، «نعمانی» و «شیخ صدوق» در کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» روایاتی در این زمینه آورده‌اند. آیت الله کورانی در کتاب «معجم أحادیث المهدی» مجموع این روایات را با تحلیل‌های بسیار زیبا بیان کردند.

«مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «الغیبة» دارد که روایت بسیار عجیبی است. حضرت می‌فرماید:

«أَتَقِ الْعَرَبَ فَإِنَّ لَهُمْ خَبَرَ سَوْءٍ»

از قوم عرب اجتناب کنید که خبرهای بدی از آنها داریم.

«أَمَّا إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ مِنْهُمْ وَاحِدٌ»

هیچکدام از عرب‌ها در رکاب امام زمان نخواهند بود.

الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۴۷۶، فصل ۸- فصل أفضل فی ذکر طرف من صفاته و منازلہ و سیرته

ع

ما نمی‌خواهیم در روایت از نظر سند مناقشه کنیم، اما تعبیری که آیت الله کورانی دارند این است که می‌گوید: این روایت با تعداد دیگری از روایات دیگری که داریم مبنی بر اینکه نجبای مصر یا ابدال شام یا عصاب عراق در رکاب حضرت مهدی هستند، همخوانی دارد.

شاید می‌خواهد بگوید کسانی که عمدتاً مدعی یمانی هستند، از طرف عرب هستند. افراد فرصت طلبی از آنها از موضوع یمانی سوء استفاده می‌کنند. بازهم روایت دیگری از حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) وارد شده است که حضرت می‌فرماید:

«مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ الْيَمَنِ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَبْغَضَ أَهْلَ الْيَمَنِ فَقَدْ أَبْغَضَنِي»

محبت با مردم یمن محبت من است و بغض و دشمنی با مردم یمن دشمنی با من است.

کمال الدین و تمام النعمة، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۲،

ص ۵۴۱، ح ۲

دیگر با این روایت تکلیف آل سعود هم کاملاً روشن می‌شود. بازهم روایت دیگری از نبی گرامی اسلام در مدح یمنی‌ها وارد شده است که می‌فرماید:

«قَوْمٌ رَقِيقَةٌ قُلُوبُهُمْ رَاسِخٌ إِيمَانُهُمْ وَ مِنْهُمْ الْمَنْصُورُ»

مراد از «الْمَنْصُورُ» همان یمانی است. در روایات متعدد داریم که کلمه «الْمَنْصُورُ» به معنای «الیمانی» یا «الیمانی المنصور» است.

«يَخْرُجُ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا يُنْصِرُ خَلْفِي»

آنها با هفتاد هزار نیرو می آیند و فرزند من را یاری می کنند.

الغيبة للنعماني، نویسنده: ابن أبي زينب، محمد بن ابراهيم، محقق / مصحح: غفاري، علي اكبر، ص ۳۹،

ح ۱

نکته دیگر این است که قضیه یمانی از علائم حتمی و قطعی است. این قضیه از علائم نیست که شاید در آن بدائی صورت بگیرد. در کتاب «کمال الدین»، «وافی» یا «بحار الانوار» روایتی از «عمر بن حنظله» از قول امام صادق وارد شده است که حضرت می فرماید:

قبل از قیام حضرت مهدی پنج علامت حتمی و قطعی است. یکی از آنها خروج یمانی، خروج سفیانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و فرورفتن سپاه سفیانی بر منطقه بیداء بین مکه و مدینه است. روایت دیگری از امام صادق وارد شده است که حضرت می فرماید:

«خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَامَاتِ الصَّيْحَةُ وَالسُّفْيَانِيُّ وَالْخَسْفُ بِالْبِيدَاءِ وَخُرُوجُ الْيَمَانِيِّ وَقَتْلُ

النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ»

پیش از قیام قائم پنج نشانه حتمی است؛ ندای آسمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء، خروج یمانی و شهادت نفس زکیه.

الغيبة (للطوسي) / كتاب الغيبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی،

عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۴۳۶، باب ذکر طرف من العلامات الكائنة قبل خروجه ع

بازهم در روایت دیگر از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که حضرت می فرماید:

«النَّدَاءُ مِنَ الْمُخْتَوِّمِ وَالسُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُخْتَوِّمِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمُخْتَوِّمِ

ندای آسمانی از نشانه‌های حتمی است، خروج سفیانی از نشانه‌های حتمی است، خروج یمانی از نشانه‌های حتمی است و شهادت تقل نفس زکیه هم از نشانه‌های حتمی است.

«وَكُفُّ يَطْلُعُ مِنَ السَّمَاءِ مِنَ الْمُخْتَوِمِ قَالَ»

و دستی که از آسمان آشکار می‌شود از حتمی‌هاست.

شاید مراد ندایی است که جهان را به آمدن حضرت ولی عصر بشارت می‌دهد.

«وَفَزَعَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تُوقِظُ النَّائِمَ وَ تُفْرِغُ الْيَقْظَانَ وَ تُخْرِجُ الْفَتَاةَ مِنْ خُدْرَاهَا»

و صدایی در ماه رمضان که خوابیده را بیدار کند و بیدار را بترساند و دختران را از پرده بیرون کشاند.

الغیبة للنعمانی، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص

۲۵۲، ح ۱۱

حال نمی‌دانیم مراد از این صیحه چیست. آیا زلزله هست یا شکستن صوت هوایی است که افراد در خواب را بیدار می‌کند، بیدارها را به وحشت می‌اندازد و زنان را از اتاق‌ها بیرون می‌کشد. مسئله بعد که در صفات یمانی آمده چنین است:

«لَمَّا خَرَجَ طَالِبُ الْحَقِّ»

وقتی طالب الحق قیام نمود.

زمانی که «عبدالله بن یحیی کندی» آمد و خود را طالب الحق معرفی کرد و گفت: من همان یمانی هستم، با وجود اینکه از خوارج و اباضی مذهب بود.

«قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): نَرَجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا الْيَمَانِي»

هشام از امام صادق نقل می‌کند: امید داریم این شخص یمانی باشد.

«فَقَالَ: لَا، الْيَمَانِي يُوَالِي عَلِيًّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، وَ هَذَا يَبْرَأُ»

پس امام فرمود: خیر! یمانی اهل ولایت علی (ع) است، ولی این شخص از دشمنان اهل بیت است.

الأمالی (للطوسی)، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: مؤسسة البعثة، ص ۶۶۱، ج

۱۳۷۵

نکته دیگر که عزیزان مخصوصاً کسانی که فریب این قضایا را می‌خورند باید به آن دقت کنند، این است که «مرحوم سید بن طاووس» و «مجلسی» در دو مورد در کتاب «بحارالانوار» نقل کرده است که یمانی از نسل حضرت زید است.

به بیان دیگر بعد از امام سجاد (علیه السلام) نسل یمانی و شجره یمانی از مسیر دیگر می‌آید. آقایانی که مدعی هستند «سید حسنی» فرزند امام حسن عسکری، امام هادی، امام جواد و دیگران است، این روایت خط بطلان بر این ادعاها می‌کشد. حضرت می‌فرماید:

«وَ خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّي زَيْدٍ بِالْيَمَنِ»

یمانی از نسل عمویم حضرت زید است و از یمن قیام می‌کند.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۸۳،

ص ۶۳، ج ۱

به فرموده حضرت یمانی از یمن قیام می‌کند، نه از عراق یا بصره! حالا آقایانی که مدعی هستند یمن آن روز همه جا را شامل می‌شود، فریب دادن اتباع است. ما روایات متعدد داریم که عرض می‌کنم کلمه صنعا آمده است. اضافه از یمن واژه صنعا هم آمده است.

«برسی» در کتاب «مشارك الأنوار»، «مجلسی» در کتاب «بحار الأنوار» صفحه ۵۱ مطرح می‌کند که اسم یمانی چیست. من تنها در این روایت دیدم حال ما کاری با او نداریم، اما می‌گوید:

«ثم يخرج ملك من صنعاء اليمن أبيض كالقطن اسمه حسين أو حسن»

اسمی که یمانی دارد و صورتش سفید همانند پنبه است، نام او حسین یا حسن است.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۵۱،

ص ۱۶۳، باب ۱۱ نادر فیما أخبر به الکهنه و أضرابهم و ما وجد من ذلك مكتوبا في الألواح و الصخور

البته برای عزیزان عرض کنم که واژه «أبيض كالقطن» با بعضی از روایات دیگر ما هم که دارد: سید یمانی چهره‌ای نه سفید و نه سیاه دارد و بین سیاه و سفید است. محل خروج یمانی از صنعاء است؛ نه از بصره است، نه از عراق است، نه ایران است و نه جای دیگر است.

روایتی از امام صادق (علیه السلام) در رابطه با قضیه سفیانی وارد شده است. به حضرت عرضه داشتند سفیانی ظهور کرده است و آقایانی در این زمینه ادعاهایی دارند. حضرت فرمود:

«ذَكَرَ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عِ الشُّفْيَانِي»

افرادی به حضرت عرضه داشتند که سفیانی ظهور کرده است.

«فَقَالَ أَنِّي يَخْرُجُ ذَلِكَ وَ لَمَّا يَخْرُجُ كَأَسْرُ عَيْنِيهِ بِصُنْعَاء»

حضرت فرمود: هنوز کسانی که چشم سفیانی را می‌شکنند از صنعاء ظهور نکرده است.

الغیبة للنعمانی، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص

۲۷۷، ج ۶۰

در رابطه با «کاسِرُ عَيْنِيهِ» دیدم که بعضی از بزرگواران خیلی خود را به زحمت انداختند و می‌نویسند: مراد از «کاسِرُ عَيْنِيهِ» چیست؟ آیا ضمیر «عَيْنِيهِ» به یمانی برمی‌گردد؟ اگر برگردد چه می‌شود؟ آیا ضمیر «عَيْنِيهِ» به سفیانی برمی‌گردد؟

من مقداری از زحمتی که آقایان کشیدند تأسف خوردم. واژه «کاسِرُ عَيْنِيهِ» در حقیقت اصطلاحی همانند همان عبارتی است که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دارد که می‌فرماید:

«فَأَيُّ فِقَاتٍ عَيْنِ الْفِتْنَةِ»

من چشم فتنه را کور کردم.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۱۳۷، خ

۹۳ و من خطبة له ع و فیها ینتبه امیر المؤمنین علی فضله و علمه و یبین فتنه بنی أمیة

مراد حضرت جنگ جمل و «طلحه» و «زبیر» است که فتنه ایجاد کرده بودند و حضرت فتنه را نابود کرد. مراد این نیست که فتنه انسانی دارای چشم است که امیرالمؤمنین با چاقو چشم او را درآورده باشد. در اینجا هم که حضرت می‌فرماید:

«کاسِرُ عَيْنِيهِ بِضَعَاءٍ»

به نظر بنده همین تعبیر «فِقَاتٍ عَيْنِ الْفِتْنَةِ» هست. ما در منابع داریم که سه پرچم در مدینه بلند می‌شود که هر سه پرچم باطل است، آنها به جان هم می‌افتند، سفیانی هردو سپاه را نابود می‌کند، به طرف یمن حرکت می‌کند.

سفیانی می‌شنود که سید یمانی در آنجا ظهور کرده است. سید یمانی هجوم را می‌آورد و سپاه سفیانی را نابود می‌کند و از بین می‌برد و اکثر لشکریان او را به قتل می‌رساند. بنابراین به نظر بنده «کاسِرُ عَيْنِيَه» همین است. در روایت دیگر در مورد فتن وارد شده است:

«ثم يسير إليهم منصور اليماني من صنعاء بجنوده»

معجم أحاديث الإمام المهدي (ع)، نویسنده: الشيخ علي الكوراني العاملي، ج ۳، ص ۲۷۶، ح ۸۰۸

یمانی با سپاهیان‌ش از صنعاء پایتخت یمن می‌آید، نه از بصره یا عراق. در اینجا عبارت «إذا ظهر الأبقع» وارد شده است.

در رابطه با «الأبقع» هم دیدم که بعضی از بزرگواران مخصوصاً عزیزمان آیت الله طوسی در بحث خارج مهدویت چندین احتمال آوردند، اما آنچه به نظر من با مبانی لغویین تطبیق می‌کند کسی است که رنگ سیاهش به سفیدی مایل است.

به بیان بهتر شخصی است که نه سیاه چهره است و نه سفید چهره است. چهره یمانی یک چهره گندمگون است.

روایت دیگری داریم که ادعای آقایان «سید حسنی» را باطل می‌کند. «قاضی نعمان مغربی» متوفای ۳۶۳ هجری هم «کلینی» را درک کرده است و هم «شیخ صدوق» را درک کرده است.

زمانی که «کلینی» از دنیا رفت ایشان ۲۰ ساله بود و زمانی که او از دنیا رفت «شیخ صدوق» سی ساله بود. «قاضی نعمان مغربی» که هردو بزرگوار را درک کرده است، در کتاب «شرح الأخبار» خود از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند:

«و ما من بلدة إلا و معه منهم طائفة إلا أهل البصرة»

حضرت مهدی از تمام قبائل یاور دارد، الا مردم بصره.

شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، نویسنده: ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، محقق / مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، ج ۳، ص ۳۶۶، باب [الصادق علیه السلام مع قوم من أهل

الكوفة

طبق این روایت از بصره یک نفر با حضرت مهدی نیست. این روایت هم خط بطلانی بر تفکرات طرفداران «احمد الحسن» است.

روایت دیگری از «عبدالله بن عمر» نقل شده است که شخصی در مکه نزد «عبدالله بن عمر» می‌آید و از او می‌پرسد اهل کجا هستی. او می‌گوید: اهل عراق هستم. «عبدالله بن عمر» از او می‌پرسد: اهل کجای عراق هستی؟ او می‌گوید: فرقی نمی‌کند، کوفه یا بصره.

«فقال عبد الله بن عمر: و لأهل الكوفة خير من أهل البصرة لانهم اكثر تتبعا للمهدي»

عبدالله بن عمر می‌گوید: اهل کوفه بهتر از اهل بصره هستند، زیرا شیعیان کوفه بیشتر سراغ حضرت مهدی را می‌گیرند.

شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، نویسنده: ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، محقق / مصحح: حسینی جلالی، محمد حسین، ج ۳، ص ۳۶۷، باب [الصادق علیه السلام مع قوم من أهل

الكوفة

عبارتی در اینجا وجود دارد که عزیزان باید به آن دقت کنند. پرچم یمانی هدایت است، پرچم ضلالت و تکفیر و توهین و ناسزا نیست. ما روایات متعدد در این زمینه داریم که من آنها را خواهم آورد. در این روایات وارد شده است:

«خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَّاسَانِي وَ السُّفْيَانِي وَ الْيَمَانِي فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ»

سه قضیه باهم اتفاق می‌افتد؛ سید خراسانی و سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز قیام می‌کنند.

این مسئله هم خط بطلان دیگری بر تفکرات «احمد بصری» است. بنده فعلاً کاری با این قضایا ندارم و در آینده آنها را مفصل عرض می‌کنم. در ادامه وارد شده است:

«وَلَيْسَ فِيهَا زَايَةٌ بِأَهْدَىٰ مِنْ زَايَةِ الْيَمَانِي يَهْدِي إِلَى الْخَق»

از میان این سه نفر هدایتگرترین پرچم، پرچم یمانی است که به سوی حق هدایت می‌کند.

الغيبة (للطوسي) / كتاب الغيبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی،

عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۴۴۶، باب ذکر طرف من العلامات الكائنة قبل خروجه ع

حال در رابطه با «سید حسنی» بحث زیاد داریم و باید ببینیم که آیا او جزو علائم حتمیه هست یا نیست. آن مباحث جداست و موضوع بحث امشب ما نیست. بازهم در روایت دیگر وارد شده است:

«وَلَيْسَ فِي الرِّايَاتِ زَايَةٌ أَهْدَىٰ مِنْ زَايَةِ الْيَمَانِي هِيَ زَايَةٌ هُدَىٰ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ»

الغيبة للنعماني، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص

۲۵۶، ح ۱۳

پرچم یمانی پرچم هدایت است، اما پرچمی که آقای «احمد الحسن» برداشته است پرچم حق نیست.

از طرف دیگر آیت الله العظمی سیستانی (حفظه الله تعالی) که افتخار شیعه و سنی است تا جایی که یکی از بزرگان عربستان سعودی که الآن اسمش در ذهنم نیست، می‌گوید: اگر اهل سنت دست یا پای آیت الله العظمی سیستانی را ببوسند کم کاری کرده‌اند.

اگر آیت الله العظمی سیستانی نبود، در قضیه انفجار حرم عسکریین شیعیان یک نفر سنی را در عراق زنده نمی‌گذاشتند. اگر آرامش و امنیت در عراق وجود دارد، به برکت این سید است.

این در حالی است که «احمد الحسن» می‌گوید: حکم به رأی سیستانی حکم شیطانی است. در حوزه‌های علمیه جز جهل و جهالت نیست. فقهای شیعه همه آمریکایی هستند. کتب علمای شیعه به درد یک مشت افراد خرفت می‌خورد.

حال این را پرچم هدایت می‌گویند؟! او همچنین می‌گوید: مراجع شیعه شهوتران و به دنبال دنیا هستند. مراجع و علمای شیعه دزد و خائن و چاپلوس هستند. رهبر ایران طاغوت زمان است.

این موارد نمونه‌هایی از تفکرات «احمد الحسن» است. البته من قبلاً تمامی صفحات کتاب‌ها را نشان دادم.

در کتاب «پاسخهای روشنگر بر بستر امواج» اثر «احمد الحسن» نوشته شده است: در رابطه با «سید خامنه‌ای» استخاره کردم. همه و همه و همچنین علمای بی عمل شیعه در زمان ما همه مصداق طاغوت هستند.

همچنین مشاهده کنید ایشان به صراحت می‌گویند: غیر از کسانی که به من ایمان آورده‌اند، تمام مردم اعم از سنی و شیعه کافر هستند.

او در جای دیگری می‌گوید: "به اسم امام «محمد بن الحسن» اعلام می‌کنم هرکسی بعد از تاریخ ۱۳ رجب سال ۱۴۲۵ به این دعوت نپیوندد و آشکارا بیعت را برای وصی و رسول امام مهدی اعلام نکند، از ولایت علی بن ابی طالب خارج و به این سبب به جهنم وارد خواهد شد.

چه بد ورودگاهی است! تمام اعمال این شخص از جمله عبادی اجمالاً و تفصیلاً همگی باطل است."

ایشان تکلیف همه را روشن کرده است. از دیدگاه این شخص همه ما و شما کافر و جهنمی هستیم، اعمال ما باطل است و نماز خواندن‌های ما هم فایده‌ای ندارد.

او همچنین می‌نویسد: "هرکسی از «احمد الحسن» اطاعت نکند اهل آتش است. شیعیان یهود امت هستند. ساکنین نجف همگی کافر هستند. دزدی اینترنتی از مخالفین اشکالی ندارد. اتباع «احمد الحسن» می‌توانند اموال دیگران را تصرف کنند و هیچ اشکالی ندارد."

این حرف به این معناست که تمام مسلمانان اعم از شیعه و سنی اموالشان برای اتباع «حسن» جایز است. بنده توصیه می‌کنم در کشور پردیسان در بعضی از قسمت‌ها این آقایان هستند.

در نزدیکی مسجد شما یکی از آقایانی که امام جمعه آنها بوده و بساطشان را در جعفریه به هم زدند، زندگی می‌کند. این افراد در بعضی از واحدها قرار دارند. دوستان مراقب ماشین و اموال خود باشند، زیرا «احمد الحسن» دزدیدن اموال دیگران را برای اتباع خود جایز می‌شمرد.

این تفکر، همان تفکری است که یهود دارد و مدعی است اموال مسلمانان و مسیحیان برای یهود هیچ اشکالی ندارد. اینکه می‌گوید: "پرچم یمانی پرچم هدایت است"، به این بافته‌های ابلیسی و شیطانی که «احمد الحسن» دارند تطبیق نمی‌کند.

ما کاری نداریم، اما ائمه اطهار (علیهم السلام) هزار و چهارصد سال قبل تکلیف همه چیز را برای ما روشن کرده‌اند.

مسئله دیگری که قطعاً بر تفکرات «احمد الحسن» خط بطلان می‌کشد، تقارن قیام یمانی، سید حسنی و سفیانی است. شاید نزدیک به دوازده روایت با سندهای مختلف داریم:

«خُرُوجُ السُّفْيَانِي وَ الْيَمَانِي وَ الْخُرَّاسَانِي فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ»

خروج یمانی، سفیانی و سید خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز اتفاق می‌افتد.

«نِظَامُ كِنْظَامِ الْخَرَزِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا»

الغیبة للنعمانی، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص

۲۵۵، ح ۱۳

همانطور که دانه‌های تسبیح دقیق و پشت سر هم هستند، سید حسنی و یمانی و سفیانی هم اینطور به هم پیوسته هستند. بازهم در کتاب «الغیبة» اثر «شیخ طوسی» وارد شده است:

«خُرُوجُ الثَّلَاثَةِ الْخُرَاسَانِيَّةِ وَالسُّفْيَانِيَّةِ وَالْيَمَانِيَّةِ فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرِ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ وَ لَيْسَ فِيهَا زَايَةٌ بِأَهْدَى مِنْ زَايَةِ الْيَمَانِيَّةِ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ»

الغیبة (للطوسی) / کتاب الغیبة للحجة، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، ص ۴۴۶، باب ذکر طرف من العلامات الکائنة قبل خروجه ع

بازهم در کتاب «الغیبة النعمانی» وارد شده است:

«الْيَمَانِيَّةُ وَالسُّفْيَانِيَّةُ كَفَرَسِي رَهَانٌ»

یمانی و سفیانی همانند دو اسب هستند که با هم مسابقه می‌دهند.

الغیبة للنعمانی، نویسنده: ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ص

۳۰۵، ح ۱۵

طبق این روایت نه سفیانی بعد از یمانی است و نه یمانی بعد از سفیانی است. آقایان به ما بگویند الآن نزدیک به نوزده سال است که «احمد الحسن» قیام کرده است، سفیانی کجاست و چه کسی بوده است. حداقل خودشان او را به ما معرفی کنند.

من این مطالب را به این خاطر بیان کردم که در رابطه با «يُخْرَجُ كَاسِرٌ عَيْنِيهِ» توضیحی خدمت عزیزان بدهم. دیدم بعضی از اجلاء در خصوص این قسمت از روایت بسیار خود را به زحمت انداختند. حضرت امیرالمؤمنین در خطبه ۹۳ می‌فرماید:

«فَأَيُّ فَقَاتٍ عَيْنِ الْفِتْنَةِ»

من چشم فتنه را از حدقه در آوردم.

مراد حضرت این است که چشم فتنه را کور کردم. جالب اینجاست که حضرت در ادامه می‌فرماید:

«وَلَمْ يَكُنْ لِيَجْتَرِئَ عَلَيْهَا أَحَدٌ غَيْرِي»

غیر از من کسی جرئت نمی‌کرد چشم فتنه را بیرون بیاورد.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۱۳۷، خ

۹۳ و من خطبة له ع و فيها ينبه أمير المؤمنين على فضله و علمه و يبين فتنة بني أمية

این هم نکته ظریفی است. در کتاب «سلیم بن قیس»، «ابن میثم» در کتاب «شرح نهج البلاغه» و «ابن ابی الحدید» خیلی زیبا این قسمت از خطبه را شرح کرده است.

او می‌نویسد: "امیرالمؤمنین که می‌فرماید کسی غیر از من جرئت نداشت چشم فتنه را نابود کند، به خاطر این بود که اصحاب «طلحه» و «زبیر» و «عایشه» که در بصره جمع شده بودند همگی اهل قبله بودند و نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند و حج می‌رفتند.

مسلمانان تصور نمی‌کردند که می‌شود با اهل قبله هم جنگید. برداشتها این بود که جهاد تنها با کفار و مشرکین است."

«ابن قدامه مقدسی» یکی از فقهای بنام حنابله و «سرخسی» یکی از فقهای بنام احناف می‌گوید: "اگر جنگ علی بن ابی طالب در جمل و صفین و نهروان نبود، مسلمانان نمی‌دانستند که آیا می‌شود با مسلمان هم جنگید یا خیر."

بنابراین ایشان می‌گوید: امیرالمؤمنین در جنگ «عایشه» و «طلحه» و «زبیر» با آنها مبارزه کرد و تثبیت کرد که اگر اهل قبله از مسیر اصلی اسلام منحرف شوند، آنها قابل مقابله و مبارزه هستند.

این مطالب در حقیقت خلاصه‌ای از روایاتی از ائمه اطهار (علیهم السلام) در رابطه با یمانی بود. من خیلی تلاش کردم که بینم بیش از این در رابطه با صفت و ویژگی‌ها و محل ولادت یمانی و اینکه بعد از قیام چه خواهد شد روایتی پیدا کنم، اما پیدا نکردم.

بعضی از اعظم در این زمینه سال‌ها هم تلاش کردند. من شاید بیش از ۵۰ یا ۶۰ ساعت وقت گذاشتم و تمام مقالات و کتبی که در رابطه با یمانی بود را مطالعه کردم. خلاصه مطالعات بنده همین نیم ساعت عریضی بود که خدمت عزیزان تقدیم کردیم.

در خانه اگر کسی هست، یک حرف بس است! همین اندازه برای ما کافی است. اگر ما تابع اهل بیت هستیم، این سخن اهل بیت در رابطه با یمانی است. اگر تابع هوای نفس و ابلیس و شیطان و فرصت طلبان دنیا طلب هستیم، دیگر تکلیف کاملاً روشن هست.

من به همین اندازه امشب به عریضم خاتمه می‌دهم. بنده امشب زیاد آمادگی نداشتم و کسالت هم دارم، اما همین اندازه هم اهل بیت عنایت کردند.

خدایا تو را به آبروی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سوگند می‌دهیم فرج فرزند آن بزرگوار حجة بن الحسن را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکارش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالأخص مقام معظم رهبری موفق و مؤید بدار. خدایا خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. خدایا شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. خدایا به حق حضرت فاطمه زهرا حوائج ما را برآورده نما. خدایا دعاهاى ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهدا، صدیقین، صالحین بالأخص امام راحل صلوات.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته